



سید محسن طباطبایی فر

و جوه فقہی نقش مردم
در حکومت

www.ketab.ir



www.ketab.ir

سرشناسه: طباطبایی فر، محسن.
عنوان و نام پدیدآور: وجوه فقهی نقش مردم در جنبش‌ها و تحولات فقهی طباطبایی فر.
مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۴۸۰ ص.
شابک: 978-964-185-326-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: علوم سیاسی (فقه): مشارکت اجتماعی (اسلام):
مشارکت سیاسی.
رده‌بندی کنگره: BP198/6 / ط ۸ / ع ۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی: ۳۹۷/۳۷۹
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۰۶۹۸۱



ناشر
نشرنی

وجوه فقهی نقش مردم در حکم

سید محسن طباطبائی

نمایه ساز حمید بیمن

ویراستار سارا کلهر

چاپ اول تهران، ۱۳۹۳

تعداد ۱۰۰۰ نسخه

قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

لیتوگرافی - باختر

چاپ شمسه خوش‌نگار

ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۱۸۵ ۳۲۶ ۸

www.nashreney.com

فهرست مطالب

۱۱	تقدیر و سپاس
۱۳	پیشگفتار

بخش چهارم: روش‌های علمی ۳۳

۳۵	فصل اول. مفاهیم، فرضیه‌ها و روش
۳۵	الف) مفاهیم
۳۹	ب) الگوهای تحلیل
۳۰	۱. رویکرد سنتی
۳۲	۲. رویکرد نوگرا
۳۵	ج) مسئله‌ی روش: اجتهاد به‌مثابه روش
۴۴	ویژگی‌های روش اجتهادی
۴۵	الف) حقانیت و برتری نصوص
۴۶	ب) حجیت و اعتبار ظن
۴۹	ج) عقل‌گرایی محصور
۵۰	د) خط‌پذیری
۵۳	مشکل دسته‌بندی مکاتب فقه سیاسی
۶۱	رویکردهای فقه سیاسی: دسته‌بندی پیشنهادی

- ۶۱..... الف) رویکرد سستی اجتهاد
 ۶۷..... ب) رویکرد نوگرای اجتهاد
 ۷۳..... رویکرد نوگرای اجتهاد و نقش مردم در حکومت

بخش دوم. مبانی فقهی نقش مردم در حکومت ۸۱

- ۸۳..... امد
 ۸۵..... فصل دوم. حق
 ۸۵..... مقدمه
 ۸۷..... ح. در نگاه فقه
 ۹۵..... رویکرد نوگرای اجتهاد، اصالت حق
 ۱۰۵..... ادله‌ی نوگرایان حقوقی
 ۱۲۴..... رویکرد سستی اجتهاد: اصالت تکلیف
 ۱۲۸..... جمع‌بندی: حق و نقش مردم در حکومت
 ۱۳۵..... فصل سوم. آزادی
 ۱۳۵..... مقدمه
 ۱۳۶..... آزادی در فقه
 ۱۴۰..... رویکرد نوگرای اجتهاد: توسعه‌ی ادله
 ۱۵۹..... رویکرد سستی اجتهاد: تحدید ادله
 ۱۶۲..... جمع‌بندی: آزادی و نقش مردم در حکومت
 ۱۶۷..... فصل چهارم. مساوات
 ۱۶۷..... مقدمه
 ۱۶۸..... مساوات در فقه
 ۱۷۰..... رویکرد سستی اجتهاد: مساوات، بدعت در دین
 ۱۷۲..... رویکرد نوگرای اجتهاد: مساوات قانونی
 ۱۷۳..... ۱. مساوات در برابر قانون
 ۱۷۹..... ۲. مساوات در برابر محاکم

۱۸۳.....	۳. مساوات در برخورداری از حقوق و امتیازات
۱۸۹.....	جمع‌بندی: مساوات و نقش مردم در حکومت
۱۹۳.....	فصل پنجم. عقل و عرف
۱۹۳.....	مقدمه
۱۹۶.....	عقلا
۱۹۸.....	الفان کاربرد عقل
۲۰۲.....	موافقان کاریست عقل
۲۰۳.....	رویکرد سستی اجتهاد: عقل «روش» کشف حکم
۲۱۱.....	رویکرد نوگرایی اجتهاد: عقل «دلیل» کشف حکم
۲۱۵.....	عقل و نقش مردم در حکومت
۲۲۱.....	سیره‌ی عقلا
۲۲۴.....	سیره‌ی عقلا و نقش مردم در حکومت
۲۲۷.....	آرای محموده
۲۲۸.....	آرای محموده و نقش مردم در حکومت
۲۲۹.....	عرف
۲۳۱.....	رویکرد سستی اجتهاد: عرف قاعده‌ای فقه
۲۳۲.....	رویکرد نوگرایی اجتهاد: عرف ملاک عرفیاء
۲۳۶.....	عرف و نقش مردم در حکومت

بخش سوم. مفاهیم فقهی نقش مردم در حکومت ۲۳

۲۴۱.....	درآمد
.....	فصل ششم. بیعت
۲۴۲.....	مقدمه
۲۴۳.....	بیعت در فقه
۲۴۵.....	فقه سیاسی اهل سنت و بیعت
۲۴۹.....	فقه سیاسی شیعه و بیعت

۲۵۰ رویکرد سنتی اجتهاد: تعهد مردم به اطاعت از حاکم
۲۵۷ رویکرد نوگرای اجتهاد: بیعت مبنای مشروعیت مردمی
۲۶۶ نسبت میان بیعت و رأی
۲۷۳ نقش مردم پس از بیعت
۲۷۵ جمع‌بندی: بیعت و نقش مردم در حکومت
۲۷۷ فصل هفتم. شورا و مشورت
۲۷۷ مقدمه
۲۷۹ شورا در اسلام
۲۸۰ فقه سیاسی: اصل سنت و شورا
۲۸۵ فقه سیاسی: شورا و شورا
۲۸۵ رویکرد سنتی اجتهاد: شکر بر مشورت
۲۸۷ رویکرد نوگرای اجتهاد: فرماندهی شورا
۲۹۷ لزوم تبعیت از نتایج شورا
۳۰۲ جمع‌بندی: شورا و نقش مردم در حکومت
۳۰۷ فصل هشتم. وکالت
۳۰۷ مقدمه
۳۰۸ وکالت در فقه
۳۱۵ رویکرد سنتی اجتهاد: وکالت ابزاری در خدمت نظم و عدالت
۳۱۸ رویکرد نوگرای اجتهاد: وکالت سازوکار فقهی نمایندگی مردم
۳۲۶ چالش دو رویکرد
۳۳۰ جمع‌بندی: وکالت و نقش مردم در حکومت
۳۳۵ فصل نهم. امر به معروف و نهی از منکر
۳۳۵ مقدمه
۳۳۶ امر به معروف و نهی از منکر در فقه
۳۴۲ رویکرد سنتی اجتهاد: نظارت بر امور مردم
۳۴۵ رویکرد نوگرای اجتهاد: نظارت عمومی بر امر سیاسی

۳۵۲	نوگرایان و شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۳۶۶	تمهید مقدمات نظری حزب
۳۷۱	نصيحة للائمة المسلمين
۳۷۴	جمع‌بندی: امر به معروف و نهی از منکر و نقش مردم در حکومت

بخش چهارم. لوازم فقهی نقش مردم در حکومت ۳۷۵

۳۷۷	درآمد
۳۸۱	فصل دهم. مبانی رأی عمومی
۳۸۱	مقدمه
۳۸۱	رویکرد سنتی اجتهاد: نقش کارکردی مردم
۳۹۰	رویکرد نوگرایی اجتهاد: نقش عالی مردم در حکومت
۳۹۱	ادله
۴۰۳	آثار
۴۰۴	حجیت رأی اکثریت
۴۰۹	جمع‌بندی
۴۱۱	فصل یازدهم. قانون
۴۱۱	مقدمه
۴۱۱	قانون در فقه
۴۱۳	رویکرد سنتی اجتهاد: تأکید بر قانون شرع
۴۲۶	رویکرد نوگرایی اجتهاد: قانون‌گذاری بر مبنای وکالت از مردم
۴۳۱	محدوده‌ی قانون‌گذاری
۴۳۱	جمع‌بندی
۴۴۹	خلاصه و برخی نتایج
۴۵۹	منابع
۴۷۳	نمایه

تقدیر و سپاس

این گونه تحقیقات در برخی از مادیون رادمردانی است که با گام گذاشتن در مسیر ناهموار تأسیس عملی و نظری حکمت دینی «مسئله‌ی» تنفیح زوایای مختلف آن را برای نسل بعد به ارمغان گذاشتند. اگرچه با «مسئله» رزنگردن برای عده‌ای خوشایند نیست، اما به‌زعم نویسنده تنها راه ارتقای اندیشه طرح سؤال است. ما ائمه را رجوع و تلاش در حل آن است؛ لذا مراتب احترام و ادب خود را نثار این مردان تاریخ می‌کنم.

از آن‌جا که بخش اعظم این کتاب پیرامون نام‌های آریه‌ی دکتری اینجانب در دانشگاه باقرالعلوم (ع) بوده است، به رسم ادب از کلیه‌ی استادان و اندرکاران این مجموعه‌ی فاخر کمال تشکر را دارم، به‌ویژه استادان گرانمایه حجج اسلام آیت‌الله‌ها آقایان سید نورالدین شریعتمدار، دکتر داود فیرحی، دکتر غلامرضا بهروز لک، دکتر سید محمدعلی آل‌غفور، دکتر منصور میراحمدی، دکتر سیف‌الله صرامی و دکتر محمدجواد ارسف که به‌تعمیر این اثر بر غنای آن افزودند. به‌گونه‌ای دیگر رهین منت آقای دکتر مریجی، ریاست محترم دانشگاه، و آقای دکتر رضا خراسانی، مدیر محترم پژوهش، هستم؛ چراکه بدون مساعدت ایشان این اثر به این اثر میسر نمی‌شد.

در پایان دعاگوی استادان و دانشمندان فاضلی هستم که با نقدهای عالمانه‌ی خود بیش از پیش بستر گفت‌وگو و ارتقای اندیشه‌ی سیاسی شیعه را فراهم می‌آورند.

سید محسن طباطبایی فر

آبان ۱۳۹۱

پیشگفتار

از چالش‌های استثنای دولت معاصر در جوامع اسلامی، پذیرش نقش مردم در حکومت است. نقش مردم، مبانی و مفاهیم آحاد، مساوات، حقوق، مساوات، آزادی، انکسار بر آرای عمومی، نظارت مردم بر حاکمان و... از موضوعاتی است که هم در فقه سنتی ما ریشه دارد و هم جزء مسائل امروز ماست. بر این اساس لازم است ما به دنبال مفاهیم جدیدی عمل و به‌طور کلی حدود امکان برداشت مفاهیم و سازوکارهای جدید از فقه در سوابق ما، نظیر مدرن بررسی شود؛ بدین ترتیب ایمان اسلامی به‌صورت منطقی به مسائل و مفاهیم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی امروز پیوند می‌خورد.

فقه امروزه چونان دستگامی به شناسایی احکام و قواعد زندگی شیعیان در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی می‌پردازد. نوعی فرایند فکری که با گذر از این مفاهیم ایجاد شده، احکام الزام‌آور برای زندگی شیعیان صادر می‌کند و لاجرم شرایط امکان‌پذیر و بیخ‌اصی در اندیشه و عمل ایشان بر جای می‌نهد. در جوامع دینی، متدینان زوایای مختلف زندگی را بر مبنای عمومی و عمومی خود را بر شرع عرضه می‌کنند و به انتظار تأیید یا رد آن از سوی مولف شرعی می‌مانند. شکل‌گیری حکومت‌های دینی این فرایند را تقویت کرده و عرصه‌ی پرسشگری را به صحنه‌ی اجتماع کشانده است. پرسش از حضور یکسان همه‌ی مردم در امر اجتماع، به سیاق شهروندی، و آثاری که انتخاب - درست یا غلط - آنان در آینده‌ی جامعه می‌گذارد، وارد گفت‌وگوهای فقهی شده و رویکردهای مختلف، بنا بر مبانی فکری خود، در پاسخ به این

پرسش‌ها اظهار نظر می‌کنند. هرچند گسترش بحث به حدی است که تقریباً همه‌ی شاخه‌های علوم دینی اعم از فقه، کلام، فلسفه، تفسیر و... را به خود مشغول کرده است، اما کماکان قاطبه‌ی مردم پاسخ سؤالات خود را در فقه جست‌وجو می‌کنند و فقها را موظف می‌دانند که نظر شرع را در مورد زوایای مختلف زندگی روزمره بیان کنند.

بررسی نحوه‌ی گفت‌وگوهای فقهی، درخصوص مبانی و مفاهیم موضوع نقش مردم در حکومت، وجهی همت این نوشتار است. یافتن نقاط همپوشانی و تضاد رویکردهای فقهی و نیز موارد مسکوت عنه از نتایج ابتدایی این تحقیق است. در همین حال ظرفیت بالفعل و استعداد، بی‌شک در بهره‌ای مردم‌سالار، از نتایج بعدی خواهد بود.

ضرورت پژوهش

الف) امروزه در اسلامی‌هاهایی کشیده شده و در آن پیش می‌رود که مباحث تئوریک آن همچنان باقی است. در بسیاری از مباحث سیاسی-اجتماعی که در جامعه‌ی اسلامی به آن‌ها عمل می‌شود، قوام فقهی یافت می‌شود. برای نمونه، امروزه انتخابات مختلف در حکومت اسلامی تجربه می‌شود و به همین سبب سؤالات آزادی، مساوات و حق رأی همگانی طرح شده است؛ چنان‌که تمام افراد، از هر کشور، دین و مذهبی (همه‌ی ایرانیان)، حق رأی دارند. درحالی‌که هنوز مشروعیت حق رأی همگانی از نظر فقهی و به صورت مسئله‌ای اجتهادی در فقه سیاسی تبیین نشده است. آزادی چه معنایی دارد؟ با چه کسی؟ و سؤالات بی‌شمار دیگر. پس واقعیت نظام اسلامی، ضرورت پرداختن فقهی به سؤالات خاص سیاسی را نمایان می‌کند. این پژوهش، با فرض تبیین مفاهیم کلان حکومت اسلامی در یک تقریری فقهی از نقش مردم در حکومت و شناسایی حدود و ثغور آن است. لذا در تمام قسمت‌ها به گونه‌ی تحقیقات به دنبال معبری برای زندگی اجتماعی بر وزن ضرورت‌های زمانه و طبقه‌بندی شرع است. قدم‌هایی که در جاده‌ی ناهموار بین سنت و تجدد گام گذاشته است و به فکر بیان ریزه‌های بودنش از دو جهت مورد طعن و نقد است.

ب) چاره‌ای جز کوفتن این راه نرفته نیست. امروزه نقش مردم یکی از بدیهیات و مبانی حکومت‌ها محسوب می‌شود و طرفه آن‌که همه‌ی رویکردهای فقهی، در سطوح مختلف، آن را به رسمیت شناخته‌اند. بی‌توجهی به نقش مردم به معنای تمرکز قدرت در دست طبقه یا شخص

خاص است و در نهایت منجر به ظلم و فساد در روی زمین خواهد شد که با روح شریعت در تضاد است.

موضوع فقه سیاسی بررسی چگونگی دولت، جامعه‌ی سیاسی و اشکال متفاوت حضور داوطلبانه‌ی مردم در جامعه است که از مختصات دولت و جامعه‌ی مدرن است. این بررسی ربط به ظرفیت‌سنجی حضور فقه سیاسی در جامعه‌ی پیچیده‌ی امروز و پاسخ به این پرسش است: «بیشتر برخاسته از رویکردهای مختلف فقه سیاسی چه نقشی در سپهر گفت‌وگوی علمی و سیاست یک جامعه‌ی اسلامی در عصر ما دارد یا می‌تواند داشته باشد؟ آیا مبادی و مفاهیم فقه سیاسی در حاکمیت‌های امروزی اقتضایی دارد که مبنایی برای زندگی مردم‌سالار جدید فراهم آورد؟ به نظر نمی‌رسد تنگنای در چنین پرسش‌های حیاتی قابلیت تأخیر داشته باشد. هرچند نفی و اثبات‌های طرح شده در تمام این موارد موجود در جریان‌های فکری-سیاسی جامعه نشان می‌دهد که نارسیدن به نظریه‌ی جامع‌المناسبات پرمعنایی وجود دارد، اما جست‌وجوی رابطه‌ی فقه و نقش مردم در حکومت از مهم‌ترین رویکردهای فقه سیاسی امروز است.

ج) در جوامع دین‌محور، به‌ویژه جوامع خصوصیات فرهنگی ایرانیان که اکثراً فقها را متولیان شرع می‌دانند، برای پایه‌گذاری نظام سیاسی مردم‌سالارانه‌ی امروزه‌ای جز مراجعه به مکتب‌های فقهی و عرضه‌ی پاسخ‌های فقهی نیست. هر قدر بر ارزش‌سازی و کرامت انسان، توصیه به مشورت، تحسن امر به معروف و... در اندیشه‌ی دینی سبب به میان آمدن ناهم‌زمانی که این مفاهیم در قالب فقه‌الاجتماع نیاید و صورت واجب و حرام اجتماعی به هم خوردند نزد حاکمان و مردم الزامی نخواهد داشت. تمدن اسلامی «تمدن فقه» است؛ درست به این معنا که می‌توان به تمدن یونانی «تمدن فلسفه» گفت و تمدن اروپایی معاصر را به «تمدن علم» و «تئولوژی» توصیف کرد.^۱ فقه تنها نظام دانایی است که خروجی آن حلیت و حرمت است و مبنای آن عرصه‌های مختلف زندگی است و فقها متولیان این دستگاه حکم‌سازند. بر همین اساس بی‌سبب جوه فقهی نقش مردم در حکومت به معنای بررسی رویکردهای مختلف فقهی در دوره‌ی میان‌سازوکارها، تبعات حضور مردم در حکومت و تحلیل نقاط همپوشانی و افتراق این مکاتب دارای اولویت است.

۱. حسن عباس حسن، ساختار منطقی اندیشه‌ی سیاسی اسلام، ترجمه‌ی مصطفی فضائلی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳.

بنا بر مطالب پیش گفته ضرورت دارد نقش مردم در حکومت بر فقه عرضه شود و همانند دیگر مسائل مبتلا به جامعه‌ی اسلامی، احکام آن در مکاتب مختلف فقهی به دست آید. همچنین بررسی شود که کدام یک از ابواب فقه ظرفیت لازم و کافی را برای به کارگیری در یک نظام مردم‌سالار مدرن دارند.

صرف‌نظر از کتاب *تنبیه الامة و تنزیه الملة* نائینی که ریشه‌ی مشکلات فوق را در درون سنت وجوهی می‌کرد و تلاش داشت با رویکردی منشرعانه و تا حدی فقهی به آن پاسخ دهد، و ناگزیر به تحدید حکومت از طریق حضور مردم در صحنه‌ی اجتماع توصیه می‌کرد، دیگر آثار دغدغه‌ی مبتدیانند. بدین معنی که ورود عناصر و مفاهیم دولت مدرن به ادبیات منشرعان، متفکران مسلمان را به اندیشه‌ی صیانت از هویت مسلمانی خود انداخت. مطالبی که با این دغدغه نوشته شد، سرآدر موضع دفاع و عملاً پاسخ‌هایی بودند در مقابل هجمه‌ای که کلیت اندیشه‌ی دینی اهداف قرار داده بود. لاجرم این تحقیقات رنگ و بوی کلامی به خود گرفت و در صدد اثبات این حقیقت بود که اسلام آیینی کامل است و ضعف جوامع اسلامی در عملکرد و روش ناشی از خطاهای فردی است. فرصت تأملات جزئی نبود، بلکه عرصه‌ی دفاع کلی و استمرار هویت بود.

شکل‌گیری نظام اسلامی در ایران تاریخی موجب تحول در این تحقیقات شد. شکل‌گیری جمهوری اسلامی موجی از تدوین و ارزیابی کتب و مقالات گوناگون اسلام سیاسی را موجب شد که هدف اولیه‌ی آن‌ها ایضاح مفهوم دولت اسلامی، استدلال فقهی و بعضاً کلامی در باب مشروعیت دولت انقلابی بود. کتاب *مبانی فقهی حکومت اسلامی* از آیت‌الله منتظری و دوره‌ی ده جلدی *فقه سیاسی* استاد عمید زنجانی از نمونه‌های عالی این تحقیقات‌اند. با نگاهی اجمالی به آثاری که به آن‌ها اشاره شد این نکته به وضوح مشخص می‌شود که آثار و نوشته‌های فوق، عموماً صبغه‌ی مفهومی و حداکثر جهت‌گیری کلان دربار‌ه‌ی دولت اسلامی دارند. هدف این نوشته‌ها توصیف، تفهیم، تصور حکومت اسلامی (دولتی که الگوی عینی و عملی آن‌هاست) برابر چشمانشان قرار داشت) و یا استدلال‌های فقهی و بعضاً کلامی در باب مشروعیت عام چنین دولت جدیدالتأسیسی بود. می‌توان هر دو نوع ویژگی فوق را که ماهیتی توصیفی-تدافعی داشتند، منطقاً تا حد معینی بسط داد.

تثبیت دولت اسلامی از اهمیت گفت‌وگو در خصوص مفاهیم کلان دولت اسلامی کاست

و در مقابل، سؤالات جدیدی را پیش روی نهاد. اگرچه این تحقیقات به نمای بیرونی دولت اسلامی توجه داشتند، ولی از برش‌ها و نمای درونی این دولت اطلاعاتی در اختیار خواننده قرار نمی‌دادند. این تئوری‌ها قدرت دفاعی خوبی در برابر مهاجمان داشتند، اما در مواجهه با مسائل و معضلات داخل نظام اسلامی در حالت تأخیر قرار داشتند یا از طرح پاسخ‌های مناسب تیم بودند. در واقع هرچند تأملات نظری خوبی در باب کلیات این طرح بیان شده، اما بررسی تخصصی هر یک از موضوعات سیاسی از منظری خاص (فقهی یا کلامی یا تفسیری یا...) در ابتدا راه است. فضای پرستشگری جامعه از تحقیقات کلی عبور کرده است و ضرورت نگاه تخصصی و تنوع‌منظر ای درون‌دینی احساس می‌شود. با توجه به اهمیت مسئله‌ی نقش مردم در حکومت به ویژه در سال‌های اخیر با عنوان مردم‌سالاری دینی، تحقیقات درخور صورت گرفته است که می‌توانند در این بدین ترتیب دسته‌بندی کرد:

- تحقیقاتی که حضور مردم در حکومت (دینی) را بر وزان دموکراسی تقریر کرده‌اند. در این دسته از تحقیقات، ابتدا در راستای تعریف و ویژگی‌های آن بیان می‌شود و سپس تلاش می‌شود نسبت مباحث اسلامی به آن‌ها پیدا شود.^۱ این تحقیقات خود را در آیینی اندیشه‌های غربی بازسازی کرده‌اند. به حضور در این حکومت است که کالایی وارداتی (مفهومی تحمیلی) نگریسته می‌شود که «باید» با آن کنار بیاییم و تلاش شده است مطابق تر جامعیت و کلیت اسلام بین آن و اندیشه‌ی اسلامی توافق ایجاد شود.

- آن دسته از تحقیقاتی که حضور مشرعانه‌ی مردم در حکومت را از منظر اندیشه‌ای و کلامی بررسی و تلاش کرده‌اند با ذکر آیات و روایات یا ذکر اصول و مبانی علوی در توجه به رأی و نظر دیگران حُسن این عمل را در اسلام به اثبات برسانند.^۲ این دسته از تحقیقات ادبیات فقهی به خود نگرفته‌اند و صرفاً از منظر اندیشه‌ی دینی موضوع را بررسی می‌کنند. عناوین

۱. برای نمونه، ن.ک.: سیدعباس نبوی، مردم‌سالاری در حاکمیت اسلامی، تهران: انتشارات تمدن و توسعه‌ی اسلامی، ۱۳۷۹؛ محمدحسن روزبه، مبانی مشروعیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: کانون اندیشه‌ی جوان، ۱۳۸۵؛ سیدعباس جعفری، مبانی فقهی نظارت شهروندان بر حاکمان، تهران: پژوهشکده‌ی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

۲. برای نمونه، ن.ک.: علی‌اکبر رشاد، دموکراسی قدسی، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۷۹؛ منصور میراحمدی، نظریه‌ی مردم‌سالاری دینی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸؛ مقالات «ببینان‌های کلامی مردم‌سالاری» از محمد نوری و «دلایل نقلی مردم‌سالاری دینی» از احمد عابدینی در کاظم قاضی‌زاده، مردم‌سالاری دینی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر عروج، ۱۳۸۵.

این گونه تحقیقات، قید «اسلامی» یا «از منظر اسلام» آورده شده است که در بررسی این مفاهیم گویای رویکرد نویسنده نه تنها در فقه، بلکه در کل آموزه‌های دینی است.

- تحقیقاتی که نقش مردم را در حکومت از منظر «فقها» بررسی کرده‌اند. در این گونه تحقیقات، یک یا چند فقیه محور مطالعه‌اند و صرفاً دیدگاه شخصی خاص را بررسی کرده‌اند. در این زمینه، به‌ویژه مطالب مختلفی با موضوع بررسی نقش مردم از دیدگاه امام خمینی و علامه تائسی به رشته‌ی تحریر درآمده است.^۱ از آن‌جا که کم‌تر فقهی به صورت منسجم به زوایای مختلف نقش مردم در حکومت پرداخته است، تحقیقات فوق به گزارش‌واره‌ای از گرایش‌های مردم‌سالاری یعنی از فقها تبدیل شده‌اند.

مغایب نقش حاضر آن است که نقش مردم در حکومت را می‌توان بر اساس رویکردهای فقهی بیان کرد. این رویکرد الگوبرداری از مفاهیم وارداتی نیست، بلکه نشئت‌گرفته از فقه است و می‌توان بر مبنای آن روش‌های سازوکارها و لوازم هویت‌بخش خود را دارد. خود را منقسم نموده که دائم با الگوهای رقیب مشابه‌سازی کند، بلکه ملتزم به منابع فقه و روش اجتهادی است. اصرار دارد دیگران را متهم به تاراج مفاهیم کند، بلکه تلاش دارد ذخیره‌ی فقه‌ای موجود در ریشه‌ی تقاضای نقش مردم در حکومت را بازپروری کند. در روش اجتهاد (چنان‌که خواهد آمد)، قواعد اجتهاد همان نقشی اساسی دارند و هریک از کارگزاران اجتهاد (فقها) در جایگاه از پیش تعیین شده قرار گرفته‌اند و طبق ضوابط خاصی دیدگاه‌های خود را بیان می‌کنند؛ لذا این روش اجتهاد است که تعیین‌کننده می‌یابد. در این صورت سخن‌گفتن از ظرفیت فقه برای زندگی مردم‌سالار معنا می‌یابد.

بر این اساس جا دارد پرسیده شود که رویکردهای اجتهادی در امکانات و نقشی در تدارک وجوه فقهی نقش مردم در حکومت دارند یا می‌توانند. پاسخ به این پرسش باید در مقابل، فرضیه‌ی نوشتار بر این مبنا استوار است که با توجه به حضور با صوری همچون حق، مساوات، عقل، نصیحت و مشورت در درون مبانی فکری تشیع، حضور مردم در عرصه‌ی سیاست طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود و هریک از مکاتب فقهی برداشت‌های گوناگونی از این مفاهیم عرضه و بر اساس آن حضور مردم را در حکومت توسعه یا تحدید می‌کنند.

۱. برای مشاهده‌ی نمونه‌ی کاملی از این نوع تحقیق، ن.ک.: مسعود پورفرورد، مردم‌سالاری دینی، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۴.

در این میان، می‌توان دو رویکرد عمده را تفکیک کرد:

الف) رویکرد سنتی اجتهاد درباره‌ی حضور مردم در اجتماع نظر خوبی ندارد. این رویکرد از ابتدا مردم را در این زمینه صاحب حق نمی‌داند تا پس از آن، بحث از چرایی و چگونگی آزادی، مساوات، قانون و... به میان نیاید. در نظر ایشان، «مساوات» صرفاً در تکوین و خلقت است و این به معنای مساوات در حقوق نیست. در واقع فقه ظرفیت لازم و کافی برای طرح این گونه مباحث ندارد.

ب) رویکرد نوگرای اجتهاد در فقه مشوق حضور مردم در امور سیاسی است و تلاش می‌کند به تدریج مردم را تئوریزه کند. این رویکرد درصدد است، با استفاده از موازین و قواعد اجتهاد و اجتهاد فقهی، انگشای حضور مردم در عرصه‌ی سیاست باشد. دامنه‌ی این حضور وابسته به عرصه‌ی سیاست است، که فقه برای انسان در نظر گرفته است.

تحقیق حاضر از آن مفرقی را لحاظ کرده است که ناشی از زایش تصاعدی مسائل جدید، طرح اسلام سیاسی، لزوم سیاست مسلمان در عصر حاضر است؛ و این موضوع، ضرورت خلاقیت فقه در همه‌ی عرصه‌ها و همه‌ی اجتمعات را دو چندان کرده است:

۱. اسلام، دین سیاست: در درون اندیشه‌ی اسلام گرایش خاصی به سیاست نهفته است. به گفته‌ی برخی از محققان «اسلام در میان همه‌ی ادیان تنها دینی است که صددرصد اجتماعی است».^۱ اسلام که همواره طبیعت انسانی را بر وفق بیان الهی روحی و جسمی می‌شناسد هرگز به شرح و بیان آرمان‌هایش راضی نیست، بلکه مردم در زندگی برای جامه‌ی عمل پوشاندن به آن‌هاست و «قدرت» یک وسیله‌ی اساسی برای رسیدن به آن‌هاست. قرآن از مؤمنان می‌خواهد که از سرمشق والا یا به اصطلاح اسوه‌ی حسنه‌ی حضرت محمد (ص) پیروی کنند. از آن‌جا که توفیق اصلی پیامبر در بنانهادن حکومتی بر مبنای تعالیم اسلام بود مسلمانان هم وظیفه دارند از سرمشق او در این زمینه پیروی کنند.

پیامد این تلقی جریان فقه در زندگی سیاسی و قابلیت اجرای بدون تکلف آن در عصر و زمانی از سوی حکومت‌های مختلف است.

۲. درآمیختگی مسائل اجتماعی و فردی: فقها از گذشته موضوعات فقهی را به سه قسم

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، آموزش دین، تنظیم: سیدمهدی آیت‌اللهی، قم: انتشارات اسلامی، بی‌تا، ص ۲۸.

عبادات، معاملات و احکام یا چهار قسم عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم کرده‌اند، اما این تقسیم‌بندی‌ها در آثار فقهی فقط به اقتضای ضرورت بحث و تحقیق است و نباید این تقسیم‌بندی را به مفهوم فاصله و تفاوت حقیقی در چارچوب احکام فقه تلقی کرد. گواه آن‌که تقسیم‌بندی چهارگانه که پیشرفته‌تر و تحلیلی‌تر از تقسیم ثلاثی است، بر هیچ اعتبار خارجی یا منطقی مبتنی نیست که مرتبط با ماهیت شرع باشد، بلکه بر اساس صوری و ظاهری متکی است.^۱ لذا پیش‌فرض مهم فقه سیاسی این است که تحقیق در مسائل جامعه، دولت، نظام و حکومت اسلامی باید بر این اساس باشد که همه‌ی احکام اسلامی تنگاتنگ در تاروپود و بافتی

مجموع احکام کلی و جزئی، عقیدت و شریعت از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. بر توالی نقلی، دلالت نصوص و قواعد مربوط به نظام سیاسی اسلامی شفاف می‌شود و نحوه‌ی پیوند آن‌ها هم بگر و این‌که چگونه یکدیگر را کامل می‌کنند روشن می‌شود. به‌علاوه آن‌که ارتباط بین اصول، جزئیات عقیدت و شرع با دیگر مبانی شرع اسلام آشکار می‌شود. این از یک سو صلابت دیدگاه سیاسی اسلامی را می‌نمایاند و از سوی دیگر تسامح و تساهل آن را و در نهایت در کنار ثبات و استحکام صلاحیت اسلام را در فراگیری متغیرها نشان می‌دهد.^۲ ۳. ارتقای نقش زمان و مکان در فقه اسلامی، با حفظ منابع و اصول استنباط، لحاظ واقعیت‌های موجود زمانی و مکانی در شرایط‌های خود امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌کنند. این نقش در عرصه‌ی احکام اجتماعی که سپهر احکام متغیر است، دو چندان می‌شود. بخش بزرگی از مصالح و مفاسد احکام اداره‌ی امور و حکومت متغیر، یعنی زمان‌مند و مکان‌مند است.^۳ این پیش‌فرض زمینه را برای انطباق فقه با تحولات زندگی فراهم می‌آورد. برای بررسی این موضوع، روش متناسب با موضوعات و اوضاع باید اتخاذ شود. به کمک تلقی «اجتهاد به‌مثابه روش» نگارنده تلاش دارد استدلالات فقهی از سبب فقهی را فهم کند و در بافتی منسجم برای اثبات فرضیه‌ی این نوشتار ارائه دهد. تدریف و تلفیق از اجتهاد بیان شده است. محمدرضا مظفر (۱۳۸۳-۱۳۲۲ ق.). اجتهاد را عبارت از نظریه‌پردازی شرعی

۱. محمد مهدی شمس‌الدین، جامعه‌ی سیاسی اسلامی، مبانی فقهی و تاریخی، ترجمه‌ی سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۲-۶۱.

۲. همان، ص ۲۲-۲۳.

۳. سیف‌الله صرامی، منابع قانون‌گذاری در حکومت اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ص ۱۴۷.

برای آگاهی از احکام فرعی دانسته است^۱ و آقا ضیاء عراقی (۱۳۶۱ ق.) در تعریف اجتهاد آورده است که «به دست آوردن شناخت و معرفت درباره‌ی وظایف مورد ابتلا در زندگی است».^۲ تعریف او ناظر به مسائل دگرگون‌شونده‌ی زندگی و مسائل پیش رو است. این مسائل فقط در احکام فردی (احوال شخصیه) منحصر نیست و سیاست، اجتماع و اقتصاد را نیز دربرمی‌گیرد. علامه طباطبایی، در تفسیر آیه‌ی تفر^۳ که از آن جهت استنباط و جوب کفایه‌ی تفقه در دین استفاده شده است، می‌گوید: «مقصود از تفقه دین فهمیدن همه‌ی معارف دینی از اصول و فروع آن است، نه خصوص احکام عملی که فعلاً در زبان علمای دین و مترجمین کلمه‌ی 'فقه' برای آن اصطلاح شده است».^۴ دلیل این‌که می‌فرماید 'وَلْيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ'، امر انداز تنها با تفقه در همه‌ی دین، به تمام مسائل و این امری بدیهی است.^۵ لذا فقه دستگاه ویژه‌ای از دانایی است که با بهره‌گیری از روش اجتهاد برصدد تولید احکام الزام‌آور برای تنظیم قواعد مشروع زندگی در زمان و مکان است. بدترین نتیجه‌ی جامعه‌ی شیعی در کوتاه‌دستی از امرونهی معصوم در یافتن پاسخ به مسائل روزمره‌ی زندگی، مراجعه می‌کند تا ایشان با بهره‌گیری از روش اجتهاد احکام زندگی آنان را بیان کنند.

ذیل روش اجتهاد ممکن است ابواعی را دربرداها زیست کنند. هرچند روش اجتهادی منابع معین و محدودی را در دسترس هر دو می‌گذارد قرار داده است، اما نحوه‌ی تولید و مصرف احکام نشئت‌گرفته از آن متفاوت است. در زمینة حضور مردم در حکومت نیز رویکردهای اجتهادی به منابع واحد مراجعه می‌کنند، اما شیوه‌ی تأثیر این عرضه‌ی احکام از سوی آن‌ها متفاوت بوده است و به همین میزان تأثیر آن‌ها در زندگی مردم و نظام مطلوب خود نیز متفاوت است.

در جوامع دینی، تأثیر رویکردهای اجتهادی برای حضور مردم در حکومت جزء

۱. محمدرضا مظفر، عقاید الامامیه، به تحقیق محمدجواد الطریحی، قم: مؤسسه الامام علی (ع)، ۱۳۷۵، ص ۲۵.
۲. حسین بن علی بروجردی، نه‌ایه الانکار، (تقریرات بحث آقا ضیاء عراقی)، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۱۵ به بعد.
۳. توبه: ۱۲۲.
۴. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق.، ج ۱۱، ص ۴۱۸.

پیش‌فرض‌ها بوده است و همواره احکام صادره از سوی فقها یکی از عوامل مؤثر در شرکت داشتن یا نداشتن جوامع دینی در امر سیاسی بوده است. اما بررسی این تأثیر و خاستگاه فرهنگی و اجتماعی هر یک از رویکردهای اجتهادی از حوصله‌ی این نوشتار بیرون است. تمرکز بحث بر تنوع برداشت‌های مکاتب فقهی از متون واحد است.

بر این اساس، اجتهاد به‌مثابه روشی آفرینشگر (سازنده) که آمادگی بازخوانی روابط درونی و ورود عناصر دیگر را دارد کنکاش می‌شود و نظر هر یک از رویکردهای فقهی درباره‌ی نقش مردم در حکومت، لوازم و مفاهیم آن بررسی می‌شود.

در بخش اول پیش‌گفته، وجوه فقهی نقش مردم در حکومت طی چهار بخش پیگیری خواهد شد. بخش اول به تبیین چارچوب نظری بحث و روش این پژوهش اختصاص یافته است. سپس مبانی فقهی نقش مردم در حکومت ذیل فصول حق، آزادی، مساوات و عقلانیت بررسی می‌شود. حضور مردم در امر سیاسی از حقوقی است که برای آنان در عرصه‌ی اجتماع لحاظ شده است. حق در فقه اسلامی از خداداد است و شخص آزادانه می‌تواند به آن اقدام کند یا به دیگری واگذار کند؛ لذا حق آزادی و مساوات مردم و نیز کفایت عقل ایشان برای انتخاب یکی از راه‌های پیش رو پیوندی است که بر مبنای این اساس بر مبنای مساوات، عقل و عرف عناوین فصول اول را به خود اختصاص می‌دهند.

پس از مبانی، در بخش سوم سازوکارهای فقهی نقش مردم در حکومت ارزیابی می‌شود. موضوعاتی از قبیل بیعت، شورا، وکالت و امر به معروف و نهی از منکر فصول چهارگانه‌ی بخش سوم را به خود اختصاص می‌دهد. مفاهیم فقهی وظایف‌های درخوری را برای تئوریزه‌کردن حضور مردم در حکومت دارند.

پذیرش آن مبانی و سازوکارها برای حضور مردم در اجتماع دینی و سیاسی است که فقه نمی‌تواند در برابر آن سکوت کند. از مهم‌ترین آن‌ها تکیه بر آرای عمومی در عرصه‌ی اجتماع و پذیرش تدوین قانون بشری است. در بخش چهارم، طی دو فصل، این موضوع مورد نظر فقه بررسی می‌شوند.